

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

روحی از امر خدا

همراه انبیا و اولیا علیهم السلام

۲۹ دی ۱۳۸۹

۱۴ صفر المظفر ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾^(۱).

خداوند فقط می خواهد پلیدی [گناه] را از شما اهل بیت علیهم السلام دور کند و شما را کاملاً پاک سازد .

چکیده سخن

از مباحث گذشته درباره آیهی تطهیر ، دانستیم که با توجه به کلمه « إِنَّمَا » - که در بردارنده معنای حصر است - خداوند مقام و امتیاز ویژه و منحصر به فردی را به اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده که همان اذهاب رجس و برداشتن پلیدی از ایشان علیهم السلام است و منظور از « ارادة الله » ، ارادهی تکوین و احداث و تصرف در عالم خلقت و آفرینش است نه اراده تشریح و قانون گذاری و اینکه اراده - طبق

۱. سورة احزاب، آیه ۳۳.

نظر متکلمان - از اوصاف فعل خدا است بر خلاف نظر حکما و فلاسفه که آن را از اوصاف ذات به حساب می آورند.

مطلب دیگر این بود که مفسران عامه بر این عقیده هستند که مخاطب آیه‌ی تطهیر، همه خانواده پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده و زنان آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز شامل می‌شود؛ یعنی طبق این نظر، حتی آن کسانی که نقشه‌ی قتل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ریختند و نسبت به آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بد اخلاقی و توطئه کردند و حتی کسانی که سوره‌ی تحریم علیه آنان نازل شد و نیز کسانی که زشت‌ترین و بدترین کار ممکن را - به عنوان یک مسلمان - مقابل پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام دادند (مثل عایشه، حفصه و ...) مشمول این آیه هستند!

این در حالی است که مفسران شیعه - از جمله علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) - که نظریه‌ی مفسران اهل سنت را باطل می‌شمارد، به ناچار قائل به تحریف قرآن شده و می‌گوید: آیه تطهیر به هیچ وجه ربطی به آیه قبل و بعد از آن ندارد؛ در نتیجه به دستور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا بعد از ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جا به جا شده و در اینجا قرار گرفته است^(۱).

نکته دیگری که در مباحث گذشته مطرح شد، این بود که هر چند آیه‌ی تطهیر در سیاق آیات مربوط به زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شده، اما به منزله علت و جواب اطاعت همگان از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ

۱. المیزان، جلد ۱۶، صفحه ۳۱۲.

وَأَتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴿۱﴾.

و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیتِ نخستین
[میان مردم] ظاهر نشوید و نماز رابه پا دارید و زکات را بپردازید
و از خدا و رسولش اطاعت کنید، خداوند فقط می‌خواهد پلیدی
[گناه] را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

یعنی چون اهل بیت علیهم‌السلام به اراده‌ی الهی از هرگونه زشتی و پلیدی پاک و منزّه
هستند، بر همه واجب است که از ایشان علیهم‌السلام اطاعت کنند.

همچنین بیان شد که مقام عصمت - که اهل بیت علیهم‌السلام از آن برخوردار هستند
- از مقوله‌ی علم است؛ اما علمی که بقیه‌ی انسان‌ها و حتی حیوانات دارند و به
واسطه‌ی غریزه‌شان از یک نوع آگاهی درباره‌ی خود و جهان پیرامون خود
برخوردارند، با علم حضرات معصومین علیهم‌السلام کاملاً متفاوت است.

تمام اشیا و مخلوقات عالم دارای ظاهر و باطن هستند. حتی در مورد قرآن،
حضرت امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنَاً وَلِبَطْنِهِ بَطْنٌ آخَرٌ إِلَى سَعَةِ أَبْطُنٍ» (۲).

قرآن کریم ظاهری دارد و باطنی و باطنش هم باطنی دارد تا هفت
باطن.

اهل بیت علیهم‌السلام بر خلاف بقیه‌ی انسان‌ها - که فقط قادر به دیدن ظاهر اشیا
هستند - می‌توانند باطن و ملکوت اشیا و مخلوقات را مشاهده کنند.

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. عوالی اللثالی، جلد ۴، صفحه ۱۰۷؛ تفسیر الصافی، جلد ۱، صفحه ۳۰.

وقتی انسان از شکم مادر متولد می‌شود و بر جهان هستی قدم می‌گذارد، هیچ چیزی نمی‌داند و به مرور زمان، به وسیله حواس خود، علومی را کسب می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^(۱).

و خداوند شما را از شکم مادران تان خارج نمود، در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد تا شکر نعمت او را به جا آورید.

اما علمی که خدای تبارک و تعالی به رسولش ﷺ اعطا فرموده است، با علوم بشری و اکتسابی قابل مقایسه نیست. کتاب و حکمت از سوی خداوند متعال بر پیامبر ﷺ نازل شده - که بیان کننده هر چیزی است - و او است که مستقیماً به پیامبرش ﷺ علم آموخته است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيماً﴾^(۲).

و خداوند کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت؛ و فضل خدا بر تو [همواره] بزرگ بوده است. همچنین می‌فرماید:

۱. سوره نحل، آیه ۷۸.

۲. سوره نساء، آیه ۱۱۳.

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى
لِّلْمُسْلِمِينَ﴾^(۱).

و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه
رحمت و هدایت و بشارت برای مسلمانان است.

البته هر آنچه در قرآن هست، در وجود مبارک حضرات معصومین و ائمه علیهم السلام
به ودیعه گذاشته شده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ»^(۲).

قرآن با علی علیه السلام و علی علیه السلام با قرآن است.

بنابراین علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام مانند علم افراد معمولی نیست که
به وسیله ابزار عادی مانند چشم، گوش و هوش و با تلاش فراوان، به دست آمده
باشد، بلکه حکمت و فضلی است از جانب خداوند متعال که به قلب ایشان علیهم السلام
القا و در دل شان قرار داده شده است.

علم حضرات معصومین علیهم السلام از دیدگاه قرآن

بعد از دانستن این مطلب که علم حضرات معصومین علیهم السلام از نوع ویژه بوده و
به مقام عصمت اختصاص دارد، اکنون این سؤال مطرح می شود که نحوه آموزش
و فراگیری این علم توسط معصومین علیهم السلام چگونه است؟ آیا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و

۱. سوره نحل، آیه ۸۹.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۰، صفحه ۷۷.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام مانند سایر انسان‌ها دارای علم و دانش گردیده‌اند؟ یا با روشی متفاوت و فوق‌روش‌های معمول، به چنین علمی مجهز شده‌اند و این در حالی است که به نصّ آیه‌ی قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبل از اینکه - به حسب ظاهر - به مقام نبوت برسند، دارای چنین علمی نبوده و بعداً به این مقام دست یافته‌اند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا
الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي
إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾^(۱).

همان‌گونه [که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم] بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم، تو پیش از این نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست [و از محتوای آن آگاه نبودی] ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله آن هرکس از بندگان خود را که بخواهیم هدایت می‌کنیم و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی.

این آیه انصافاً از متشابهات قرآن است و جز با توسّل و استفاده از سایر آیات و روایات نمی‌توانیم به تفسیر و بطن آن دسترسی پیدا کنیم. در این آیه، سخن از «روح» است و اینکه روح به صورت «نوری» برای هدایت بندگان قرار داده شده است که خداوند به وسیله آن، به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم وحی می‌کرده و ایشان را صاحب علم ویژه نموده است. با دقت در این آیه درمی‌یابیم که خداوند متعال،

۱. سوره شوری، آیه ۵۲.

پیغمبر ﷺ را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: «تو قبل از روح و وحی، خواندن و نوشتن بلد نبودی» و به قول حافظ - که ظاهراً این آیه را ترجمه کرده است -:

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت

به غمزه مسئله‌آموز صد مدرس شد

پس روشن می‌شود که علم ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام - و در درجه‌ی اول،

پیامبر ﷺ - از ناحیه‌ی خدا و به وسیله‌ی روح صورت گرفته که در بخش بعدی بیشتر به توضیح آن خواهیم پرداخت.

اقسام تکلم خدا با انسان

بعد از آنکه معلوم شد پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مستقیماً از طرف خداوند و از راه وحی به علم ویژه دست یافته‌اند، لازم است مراحل و چگونگی این امر بیان شود تا به سؤالات احتمالی در اذهان، پاسخ داده شود.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ﴾^(۱).

و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید مگر از راه وحی یا از پشت حجاب یا رسولی می‌فرستد و به فرمان او هر چه را بخواهد وحی می‌کند؛ چرا که او بلند مقام و حکیم است.

۱. سوره شوری، آیه ۵۱.

در توضیح آیه بالا باید گفت که خداوند از سه طریق با مخلوقات اش سخن می‌گوید؛ از طریق وحی و القای پیام، از پس پرده و مستقیم - اما با حریم و حجاب (مانند پیامبر گرامی اسلام ﷺ که در جریان معراج به مقامی رسید که جبرئیل علیه السلام هم از همراهی با آن حضرت ﷺ درماند و در آنجا پیامبر ﷺ دیدند که خداوند با لهجه، صوت و زبان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام با ایشان سخن می‌گوید)^(۱)، یا از طریق فرستادن رسول و فرشته وحی (مثل نازل شدن جبرئیل علیه السلام).

با اندکی تأمل در آیات ۵۱ و ۵۲ سوره شوری به خوبی در می‌یابیم که وحی به پیامبر ﷺ از طریق روح - که مخلوقی از مخلوقات خدا است - صورت می‌گیرد؛ طوری که رسول الله ﷺ قبل از آمدن روح از طرف خداوند نزد ایشان ﷺ، از کتاب و ایمان خبری نداشتند و در واقع تا آن زمان، از علم ویژه خدا برخوردار نبودند. حتی در مورد ائمه معصومین علیه السلام نیز وارد شده است که علوم الهی را به واسطه همین روح و روح القدس دریافت نموده‌اند که در ادامه بحث، روایاتی در این زمینه نقل می‌شود.

علم حضرات معصومین علیه السلام از دیدگاه روایات

بیش از صد روایت در مورد چگونگی عالم شدن ائمه معصومین علیه السلام وارد شده است؛ اما ما در اینجا فقط روایاتی را که از نظر سند، دارای صحت هستند، مطرح می‌کنیم:

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۸، صفحه ۳۱۲؛ المناقب (خوارزمی)، صفحه ۷۸؛ کشف الغمّة، جلد ۱، صفحه ۱۰۳.

۱. ابو حمزه ثمالی^(۱) می گوید:

« سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعِلْمِ؛ أَهْوَىٰ عِلْمٌ يَتَعَلَّمُهُ الْعَالِمُ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ أَمْ فِي الْكِتَابِ عِنْدَكُمْ تَقْرَؤُونَهُ، فَتَعْلَمُونَ مِنْهُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأَمْرُ أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ وَأَوْجَبُ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِمَّنْ أَمَرْنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾ (۲) ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُ أَصْحَابُكُمْ فِي هَذِهِ الْآيَةِ، أَيَقْرُونَ أَنَّهُ كَانَ فِي حَالٍ لَا يَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ؟ فَقُلْتُ: لَا أَدْرِي، جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا يَقُولُونَ، فَقَالَ [إِلَيَّ]: بَلَى، قَدْ كَانَ فِي حَالٍ لَا يَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ، حَتَّىٰ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَىٰ الرُّوحَ الَّتِي ذَكَرَ فِي الْكِتَابِ، فَلَمَّا أَوْحَىٰهَا إِلَيْهِ عَلَّمَ بِهَا الْعِلْمَ وَالْفَهْمَ، وَهِيَ الرُّوحُ الَّتِي يُعْطِيهَا اللَّهُ تَعَالَىٰ مَنْ شَاءَ، فَإِذَا أَعْطَاهَا عَبْدًا عَلَّمَهُ الْفَهْمَ» (۳).

از حضرت امام صادق عليه السلام در مورد علم امام پرسیدم که آیا آن علم را از گفتار رجال علم فرا می گیرید یا آنکه نزد شما کتابی است که آن را می خوانید و فرا می گیرید؟ فرمود: این مطلب از آنچه تو گفתי بزرگ تر و استوارتر است. مگر نشنیده ای قول خدای عزوجل را: «وهمچنین روحی از امر خود بر تو وحی کردیم و تو نمی دانستی که کتاب و ایمان چیست»، سپس فرمودند: اصحاب

۱. ابو حمزه ثمالی از اصحاب حضرت امام سجاد عليه السلام بوده و از جمله کسانی است که توفیق

درک چندین معصوم عليه السلام را پیدا کرده است.

۲. سوره شوری، آیه ۵۲.

۳. کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۳.

شما درباره این آیه چه می‌گویید؟ آیا اقرار دارند که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حالی بودند که کتاب و ایمان نمی‌دانستند؟ عرض کردم: قربانت گردم! نمی‌دانم چه می‌گویند. فرمود: آری! ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حالی به سر می‌بردند که نمی‌دانستند کتاب و ایمان چیست تا آنکه خدای تعالی روحی را که در کتابش ذکر نموده، مبعوث کرد و وقتی که آن را به سوی ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی فرمود، به سبب آن، علم و فهم آموختند و آن همان روح است که خدای تعالی به هر کس بخواهد، عطا می‌کند و چون آن را به بنده‌ای عطا فرماید، به او فهم می‌آموزد.

لازم به توضیح است که زمان شروع همراهی این روح - که در آیات و روایات به آن اشاره شد - در افراد، مختلف است؛ در بعضی افراد گاهی با آغاز ولادت همراه است؛ مثلاً در مورد حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داریم که ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حتی در دوران کودکی نیز چیزهای زیادی می‌دانستند؛ برای نمونه، داستانی را که حاکی از هوش و علم آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد، بیان می‌کنیم: «وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کودک بودند، نزد حلیمه سعدیه - که دایه آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود - در بیابان زندگی می‌کردند. طبق معمول وقتی صبح می‌شد، فرزندان حلیمه، لباس پوشیده، از خیمه بیرون می‌رفتند. یک روز حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مادرش (حلیمه) پرسید: این بچه‌ها کجا می‌روند؟ مادرش گفت: گوسفندان را به چراگاه می‌برند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: حالا که این طور است من هم می‌خواهم با آنان بروم. حلیمه گفت: عیبی ندارد فردا نیز تو را به همراه آنان می‌فرستم.»

در تاریخ آمده است:

« فَلَمَّا أَصْبَحَ دَهْنَتَهُ وَكَحَلَّتَهُ وَعَلَّقَتْ فِي عُنُقِهِ خَيْطاً فِيهِ جِزْعٌ يَمَانِيَّةٌ » .

وقتی صبح شد، حلیمه پیغمبر ﷺ را استحمام کرد، به موهای شان روغن مالید، به چشمان آن حضرت ﷺ سرمه کشید و سپس یک جزع یمانی (نوعی سنگ است) به گردن ایشان ﷺ آویزان کرد.

آن حضرت ﷺ پرسیدند: مادر! این چیست؟ حلیمه گفت: این حرزی است که تو را صیانت و نگاه داری می‌کند! رسول الله ﷺ که در آن زمان کودک خردسالی بودند دست به گردن برده، آن حرز را جدا کرده، دور انداختند و فرمودند:

« يَا أُمَّاهُ! فَإِنَّ مَعِيَ مَنْ يَحْفَظُنِي »^(۱).

ای مادر! (من نیازی به جزع یمانی ندارم)، کسی همراه من است که مرا نگهداری کند!

با توجه به این فرمایش پیامبر ﷺ، آن کسی که با ایشان ﷺ همراه است و از ایشان ﷺ محافظت می‌کند، خدا، رسول یا فرستاده‌ای به نام «روح» است. این مطلب در قرآن کریم، به صورت روشن بیان شده است. قرآن دربارهٔ حالات حضرت عیسیٰ ﷺ در دوران کودکی اش، چنین می‌فرماید:

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۵، صفحه ۳۹۲؛ از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۳، صفحه ۴۷۴.

﴿ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴾^(۱).

آن طفل [به امر خدا به زبان آمد و] گفت: همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود.

جالب اینکه حضرت عیسی علیه السلام، پس از گذشت سه روز از تولدش، به مقام نبوت و رسالت می‌رسد و صاحب کتاب - انجیل - می‌شود؛ پس چطور می‌شود که وقتی بحث از امامت امام زمان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در سن پنج سالگی، به میان می‌آید، عده‌ای که ادعای فهم قرآن می‌کنند، آن را رد کرده، منکر این قضیه می‌شوند؟! آیا با این توصیف، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که خاتم الاوصیا است - و حضرت عیسی علیه السلام در موقع ظهور ایشان علیه السلام، از آسمان چهارم هبوط می‌کند و پشت سر آن حضرت علیه السلام به نماز می‌ایستد و خداوند به وسیله آن حضرت علیه السلام دین‌اش را اجرا و تتمیم می‌کند - نمی‌تواند در پنج سالگی امام شود؟! رد کردن این قضیه، فقط می‌تواند از سوی افراد جاهل و نادانی باشد که اصلاً مفاهیم قرآن را درک نمی‌کنند!

۲. ابراهیم بن عمر می‌گوید: به حضرت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

« أَخْبَرَنِي عَنِ الْعِلْمِ الَّذِي تَعْلَمُونَهُ ، أَوْ شَيْءٍ تَعْلَمُونَهُ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ ؛ أَوْ شَيْءٍ مَكْتُوبٍ عِنْدَكُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ؟ »
 فقال علیه السلام : الأمر أعظم من ذلك ، أما سمعت قول الله عز وجل في كتابه
 ﴿ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا
 الْإِيمَانُ ﴾^(۲) قال : قلت : بلى ، قال علیه السلام : فلما أعطاه الله تلك الروح علم

۱. سوره مریم، آیه ۳۰.

۲. سوره شوری، آیه ۵۲.

بها، وكذلك هي إذا انتهت إلى عبد، علم بها العلم والفهم، يُعَرِّضُ
بنفسه عَلَيْهِ» (۱).

علمی که می آموزید آیا از یکدیگر استفاده می کنید یا نوشته ای از
پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزد شما است؟ فرمودند: امر اعظم از اینها
است، آیا این آیه را نشنیده ای: «وهمین گونه ما روح [و فرشته
بزرگ] خود را به فرمان خویش [برای وحی] به سوی تو
فرستادیم، تو پیش از آنکه وحی به تو برسد نمی دانستی کتاب
[خدا] چیست و راه ایمان و شرع کدام است»؟ عرض کردم: چرا!
فرمودند: وقتی خداوند این روح را به ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عطا کرد، به
وسیله او دانست و همین طور این روح وقتی به یکی از بندگان
خدا برسد به وسیله او دارای علم و دانش می شود. منظورشان
خود آن حضرت عَلَيْهِ بود.

۳. عبدالله بن طلحه می گوید: به حضرت امام صادق عَلَيْهِ عرض کردم:

«أخبرني يا بن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عن العلم الذي تحدثونا به، أمن
صحف عندكم، أم من رواية يروونها بعضكم عن بعض، أو كيف حال
العلم عندكم؟ قال عَلَيْهِ: يا عبدالله! الأمر أعظم من ذلك وأجلّ، أما
تقرأ كتاب الله؟ قلت: بلى، قال عَلَيْهِ: أما تقرأ: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ
رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾ أفترون أنه
كان في حال لا يدري ما الكتاب ولا الإيمان؟ قال: قلت: هكذا

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۵، صفحه ۶۲؛ بصائر الدرجات، صفحه ۴۷۹.

تقرؤها، قال عليه السلام: نعم، قد كان في حال لا يدري ما الكتاب ولا الإيمان، حتى بعث الله تلك الروح، فعلمه بها العلم والفهم، وكذلك تجرى تلك الروح، إذا بعثها الله إلى عبد علمه بها العلم والفهم»^(۱).

من را آگاه بفرمایید از علمی که برای ما بیان می‌نماید، آیا از نوشته‌ای است که نزد شما هست یا از روایتی است که از یکدیگر نقل می‌کنید، بالاخره وضع آن چگونه است؟ فرمودند: جریان بزرگ‌تر و عظیم‌تر از آن است که تو می‌گویی. مگر قرآن نخوانده‌ای؟ عرض کردم: چرا! فرمودند: این آیه را نخوانده‌ای؟ (همان‌گونه [که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم] بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم، تو پیش از این نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست [و از محتوای آن آگاه نبودی]); آیا خیال می‌کنید که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم در حالی بوده است که کتاب و ایمان را ندانند؟ عرض کردم: ما این طور می‌خوانیم. فرمودند: آری! ایشان صلى الله عليه وآله وسلم کتاب و ایمان را در یک زمانی نمی‌دانستند تا خداوند آن روح را برایشان صلى الله عليه وآله وسلم فرستاد، او به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم علم و دانش را تعلیم داد. همین‌طور این روح در جریان است. زمانی که خداوند این روح را به سوی هر بنده‌ای بفرستد، به وسیله او علم و دانش را تعلیم می‌دهد.

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۵، صفحه ۵۹؛ بصائر الدرجات، صفحه ۴۷۹.

ماهیت روح در روایات

از مباحثی که تا کنون مطرح گردید، این مطلب روشن شد که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سایر ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام، چیزهایی می‌دانند که ما نمی‌دانیم و در واقع ابزار و وسیله‌ای در اختیارشان است که ما از آن محرومیم. آن ابزار و وسیله، همان روح است.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که روح چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، به بیان چند روایت از شیخ کلینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می‌پردازیم تا از زبان خود حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام، هر چه بیشتر با ماهیت «روح» آشنا شویم.

۱. ابن مسکان از ابی بصیر - که هردوی آنها از راویان بزرگ هستند - نقل

می‌کند:

« قال : سألت أبا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام عن قول الله عز وجل : ﴿ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي ﴾ ^(۱) قال عَلَيْهِ السَّلَام : خلق أعظم من جبرئيل وميكائيل عَلَيْهِمَا السَّلَام ، كان مع رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وهو مع الأئمة عَلَيْهِمُ السَّلَام وهو من الملكوت » ^(۲).

از حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد سخن خدای عزوجل: «از تو درباره روح می‌پرسند، بگو روح از امر پروردگار من است» پرسیدم، فرمودند: آن مخلوقی است بزرگ‌تر از جبرئیل و

۱. سوره اسراء، آیه ۸۵.

۲. بحار الأنوار، جلد ۱۸، صفحه ۲۶۵؛ کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۳.

میکائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ که همراه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است و آن از عالم ملکوت است (آسمانی و روحانی است).

۲. شخصی خدمت حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و از ماهیت روح سؤال

کرد:

«أليس هو جبرئيل؟ فقال له أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: جبرئيل عَلَيْهِ السَّلَامُ من الملائكة والروح غير جبرئيل عَلَيْهِ السَّلَامُ، فكرر ذلك على الرجل، فقال له لقد قلت عظيماً من القول، ما أحد يزعم أن الروح غير جبرئيل. فقال له أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: إناك ضالّ تروى عن أهل الضلال، يقول الله تعالى لَنَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلْهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ * يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ ﴿^(۱) والروح غير الملائكة﴾» ^(۲).

مگر روح، همان جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ نیست؟ حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمودند: جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ از ملائکه است و روح غیر از جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ است - و این سخن را تکرار فرمودند - او عرض کرد: سخن بزرگی گفتم!! هیچ کس عقیده ندارد که روح غیر از جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ است. حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمودند: تو خود گمراهی و از اهل گمراهی روایت می کنی! خدای تعالی به پیغمبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «فرمان خدا فرا رسیده است؛ برای آن عجله نکنید! منزّه و برتر است خداوند از آنچه همتای او قرار

۱. سوره نحل، آیه ۱ و ۲.

۲. بحار الأنوار، جلد ۲۵، صفحه ۶۴؛ کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۴.

می دهند فرشتگان را با روح نازل می کند»، پس روح غیر از ملائکه است.

نکته‌ای که در اینجا باید مطرح شود آن است که متأسفانه در آن زمان، اغلب مردم هم بی سواد بودند و هم بی ادب! به عنوان نمونه، وقتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به مردم فرمودند:

«سلوني قبل أن تفقدوني»^(۱).

پیش از آنکه مرا از دست بدهید، سؤال‌های تان را بپرسید.

ناگهان نادانی، چون سعد بن ابی وقاص پرسید: چند مو بر سر و صورت من وجود دارد؟! در روایت قبل نیز وقتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب آن سائل فرمودند که روح با جبرئیل علیه السلام تفاوت دارد، آن شخص جاهل و بی ادب به حضرت علیه السلام عرض کرد: کسی این حرف شما را باور نمی‌کند! و این‌ها همگی نشان از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و دلیل بر بی معرفتی مردم نسبت به مقام امامت و عصمت است.

۳. جابر بن یزید جعفی^(۲) می‌گوید:

«سألته عن علم العالم؛ فقال علیه السلام، لي: يا جابر! إنَّ في الأنبياء والأوصياء خمسة أرواح: روح القدس وروح الإيمان وروح الحياة

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۰، صفحه ۱۱۷؛ نهج البلاغه، خطبة ۱۸۹؛ از منابع اهل سنت:

کنز العمال، جلد ۱۳، صفحه ۱۶۵؛ تاریخ مدینه دمشق، جلد ۱۷، صفحه ۳۳۵.

۲. جابر بن یزید جعفی از اصحاب سر حضرت امام باقر علیه السلام است که ما در مباحث مختلف از او یاد کرده‌ایم. او می‌گوید: «علمني أبو جعفر علیه السلام تسعين ألف حديث لم أحدث بها أحداً قط» (بحار الأنوار، جلد ۲، صفحه ۶۹) حضرت امام باقر علیه السلام به من نود هزار حدیث آموختند که آنها را برای احدی بازگو نکردم!

وروح القوّة وروح الشهوة، فبروح القدس يا جابر! عرفوا ما تحت العرش إلى ما تحت الثرى، ثمّ قال عليه السلام: يا جابر! إنّ هذه الأربعة، أرواح يصيبها الحدثان إلاّ روح القدس لا تلهو ولا تلعب»^(۱).

از حضرت امام باقر عليه السلام درباره علم عالم (پیامبر صلی الله علیه و آله و امام عليه السلام) پرسیدم، فرمودند: ای جابر! همانا در پیغمبران و اوصیا عليهم السلام پنج روح است: ۱. روح القدس ۲. روح ایمان ۳. روح زندگی (حرکت) ۴. روح قوه ۵. روح شهوت. ای جابر! ایشان عليهم السلام به وسیله روح القدس تمام امور و مطالب عالم آفرینش را می دانند، سپس فرمودند: ای جابر! این چهار روح اخیر را پیشامد و آفت می رسد؛ ولی روح القدس اهل لهو و لعب نیست.

در حقیقت در طول زندگی انسان از بین این ارواح پنج گانه، تنها یکی سالم می ماند و بقیه دستخوش حوادث می شوند؛ مثلاً روح ایمان به وسیله نفوذ شیطان خراب می شود، روح حیا - که مایه زندگی و حیات است - بر اثر بیمار شدن فرد، مختل می شود و آسیب می بیند؛ روح قوه - روحی که توسط آن، حرکت و سکون انسان انجام می شود - بر اثر بیماری، ضعف، سستی و پیری صدمه دیده، ناتوان می شود و روح شهوة - روحی که به وسیله آن خوردن و آشامیدن و نیز غرائز جنسی فرد تأمین می شود - بر اثر حوادث کارایی خود را از دست می دهد طوری که فرد دیگر به آب و غذا و سایر نیازهای طبیعی میل پیدا نمی کند. پس تنها روحی که از حوادث ایمن می ماند و اهل بازی نیست، روح القدس است.

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۵، صفحه ۵۵؛ کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۲.

۴. حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«في الأنبياء والأوصياء عليهم السلام خمسة أرواح؛ روح البدن وروح القدس وروح القوّة وروح الشهوة وروح الإيمان وفي المؤمنين أربعة أرواح؛ أفقدها روح القدس، روح البدن وروح القوّة وروح الشهوة وروح الإيمان وفي الكفار ثلاثة أرواح؛ روح البدن وروح القوّة وروح الشهوة. ثمّ قال عليه السلام: روح الإيمان يلزم الجسد ما لم يعمل بكبيرة، فإذا عمل بكبيرة فارقه الروح وروح القدس من سكن فيه، فإنّه لا يعمل بكبيرة أبداً»^(۱).

در انبیا و اوصیا علیہم السلام پنج روح است؛ روح البدن، روح القدس، روح قوّت، روح شهوت، و روح ایمان؛ و در مؤمنان چهار روح است که روح القدس ندارند؛ ولی دارای روح بدن، روح قوّت، روح شهوت و روح ایمانند؛ و در کفار سه روح است؛ روح بدن، روح قوّت و روح شهوت، سپس فرمودند: روح ایمان تا وقتی که مرتکب گناه کبیره‌ای نشده باشد، با بدن هست و وقتی کبیره‌ای انجام داد روح از او جدا می‌شود؛ ولی روح القدس در هر کس باشد، هرگز گناه کبیره انجام نمی‌دهد.

بنابراین اگر خدا روح القدس را در وجود کسی قرار دهد، آن شخص دیگر گناه نمی‌کند و از اینجا معنای عصمت، معلوم می‌شود، پس معصوم به کسی گفته می‌شود که دارای روح القدس است و هرگز مرتکب گناه نمی‌شود.

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۵، صفحه ۵۴.

مطلب دیگر اینکه تا زمانی که گناه نکنیم، ایمان در وجود ما است؛ اما همین که گناه کردیم، روح ایمان پرواز می‌کند. حضرت امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

«لا یزنی الزانی حین یزنی وهو مؤمن»^(۱).

زناکار در حال زنا ایمان ندارد.

۵. اسباط بن سالم می‌گوید: نزد حضرت امام صادق علیه السلام حضور داشتم، «سأله رجل من أهل هیت - وأنا حاضر - عن قول الله عزوجل: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِّنْ أَمْرِنَا﴾^(۲) فقال علیه السلام: مذ أنزل الله عزوجل ذلك الروح على محمد صلى الله عليه وآله، ماصعد إلى السماء وإته لفينا»^(۳).

مردی از اهل هیت (شهری کنار فرات) از امام علیه السلام درباره قول خدای عزوجل: «و همچنین روحی از امر خود را به سوی تو فرستادیم» پرسید، امام علیه السلام فرمودند: از زمانی که خدای عزوجل آن روح را بر محمد صلى الله عليه وآله فرو فرستاده، به آسمان بالا نرفته است و آن روح در ما هست.

۶. ابوبصیر می‌گوید: درباره آیه ۵۲ سوره شوری از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال کردم، حضرت علیه السلام فرمودند:

۱. کافی، جلد ۵، صفحه ۱۲۳؛ من لایحضره الفقیه، جلد ۴، صفحه ۲۲.

۲. سوره شوری، آیه ۵۲.

۳. بحار الأنوار، جلد ۱۸، صفحه ۲۶۵؛ کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۳.

«خلق من خلق الله عزوجل، أعظم من جبرئيل وميكائيل عليهما السلام كان مع رسول الله ﷺ يخبره ويسدده وهو مع الأئمة عليهم السلام من بعده»^(۱).
 او مخلوقی است از مخلوقات خدای عزوجل که از جبرئیل و میکائیل علیهما السلام بزرگ تر است. روح، همراه پیامبر ﷺ بوده، به او خبر می دهد و رهبری اش می کند و پس از ایشان ﷺ، همراه امامان علیهما السلام می باشد.

چگونگی افزایش علم در حضرات معصومین علیهم السلام

پس از بیان روایاتی که نشان می دهند روح القدس پس از همراهی با رسول اکرم ﷺ، همراه حضرات ائمه اهل بیت علیهم السلام است، به ذکر راههای این ارتباط و همراهی می پردازیم؛

حضرت امام صادق علیهما السلام می فرماید:

«إنا لنزداد في الليل والنهار ولو لم نزد لنفد ما عندنا، قال أبو بصير: جعلت فداك! من يأتيكم به؟ قال عليهما السلام: إن منّا من يعاين وإن منّا من ينقر في قلبه كيت وكيت ومنّا من يسمع بأذنه وقعا كوقع السلسلة في الطشت. فقلت له: من الذي يأتيكم بذلك؟ قال عليهما السلام: خلق لله أعظم من جبرئيل وميكائيل عليهما السلام»^(۲).

برای مادر هر شب و روز افزایش علم حاصل می شود، اگر چنین

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۸، صفحه ۲۶۵؛ کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۳.

۲. بحار الأنوار، جلد ۱۸، صفحه ۲۷۰؛ بصائر الدرجات، صفحه ۶۳.

نبود، آنچه داشتیم پایان می‌یافت. ابوبصیر گفت: فدایت شوم! چه کسی علم شما را افزایش می‌دهد؟ فرمودند: بعضی از ما مشاهده می‌کنند و بعضی به دل‌شان الهام می‌شود چنین و چنان، و بعضی از ما با گوش می‌شنود صدایی مانند صدای زنجیر که داخل طشت به حرکت در آید. عرض کردم: آن شخص کیست؟ فرمودند: مخلوقی بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائیل علیهم‌السلام است.

بنابر این با دقت در این روایت، معلوم می‌شود که همراهی و معیت این روح با ائمه اطهار علیهم‌السلام - جهت افزایش علم ایشان علیهم‌السلام -، به سه طریق صورت می‌گیرد؟

الف - از طریق مشاهده‌ی روح توسط حضرات معصومین علیهم‌السلام.

ب - از راه الهام روح به قلب و دل ایشان علیهم‌السلام.

ج - به صورت شنیدن صدای روح بدون، مشاهده و الهام آن.

بنابراین معلوم می‌شود که اگر علم ائمه معصومین علیهم‌السلام در طول شبانه روز زیاد نشود یا به عبارتی دیگر اگر علم ایشان علیهم‌السلام به منبع بزرگ و بی‌نهایت الهی وصل نباشد، درست مثل یک استخری که بر اثر نبود بارندگی خشک می‌شود، ایشان علیهم‌السلام نیز بالاخره روزی با اتمام علم‌شان رو به رو خواهند شد.

خلاصه

با توجه به مسائلی که درباره عصمت و علم حضرات معصومین علیهم‌السلام بیان شد،

نتایج زیر حاصل می‌شود:

الف - انبیا و اوصیای الهی علیهم السلام مطهرند؛ یعنی به بواطن اشیا در عالم ملک و ملکوت علم دارند و این همان چیزی است که از سوی خداوند متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام داده شد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾^(۱).

و این چنین ملکوت آسمان‌ها و زمین [و حکومت مطلقه خداوند بر آن‌ها] را به ابراهیم نشان دادیم [تا به آن استدلال کند] و اهل یقین گردد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برخوردار از این علم را با این بیان از خداوند متعال درخواست می‌کردند:

«اللَّهُمَّ أَرِنِي الْحَقَائِقَ كَمَا هِيَ»^(۲).

خدایا! حقایق عالم را همان‌گونه که هستند، به من نشان بده.

ب - خداوند برای اینکه انبیایش علیهم السلام را به مرحله عصمت و علم ویژه برساند، از یک وسیله و ابزاری استفاده کرده است که عبارت از روح القدس و مربوط به عالم ملکوت است و به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اعظم از همه ملائکه و جبرئیل و میکائیل علیهم السلام است.

ج - روح القدس همواره با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و بعد از ایشان صلی الله علیه و آله و سلم نیز با

۱. سوره أنعام، آیه ۷۵.

۲. عوالی اللثالی، جلد ۴، صفحه ۱۳۲.

ائمه عليهم السلام همراه است و این معیت و همراهی به ترتیب از حضرت امیرالمؤمنین
علی علیه السلام شروع شده و تا امروز در محضر حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف -
است .

در جلسات بعد بیشتر به نحوه‌ی آموزش و یاد دادن علم توسط روح القدس
خواهیم پرداخت .

« السّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خودآزمایی

- ① با توجه به آیات قرآن کریم، روش تحصیل علم ویژه، توسط ائمه معصومین علیهم السلام چگونه است؟
- ② اقسام تکلم خداوند با انسان به چند صورت است؟
- ③ از روایات وارده در زمینه ی علم حضرات معصومین علیهم السلام، چه نکاتی استفاده می‌شود؟
- ④ منظور از «روح» در آیات و روایات چیست؟
- ⑤ کدام یک از ارواح خمسه، دلیل بر عصمت ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد؟ توضیح دهید.
- ⑥ از مقایسه رسالت و نبوت حضرت عیسی علیه السلام با امامت و خلافت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از لحاظ زمانی، چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟
- ⑦ با توجه به روایات وارد شده از حضرت امام صادق علیه السلام، روش ازدیاد علم در حضرات معصومین علیهم السلام چگونه است؟
- ⑧ از بین ارواح پنج‌گانه، کدام یک در مؤمنین و کدام یک در کفار وجود ندارند؟

در این آیه، سخن از «روح» است و اینکه روح به صورت «نوری» برای هدایت بندگان قرار داده شده است که خداوند به وسیله آن، به پیامبرش ﷺ وحی می‌کرده و ایشان را صاحب علم ویژه نموده است. بادقت در این آیه درمی‌یابیم که خداوند متعال، پیغمبر ﷺ را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: «توقبل از روح ووحی، خواندن و نوشتن بلدنبودی» و به قول حافظ که ظاهراً این آیه را ترجمه کرده است:-

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت

به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد
پس روشن می‌شود که علم ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام - و در
درجه‌ی اول، پیامبر ﷺ از ناحیه‌ی خدا و به وسیله
روح صورت گرفته. (صفحه ۸ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:
- ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله بصری رحمته‌الله

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir